

تحلیل عملکرد فضایی مراکز آموزش عالی در توسعه پایدار فرهنگ شهری کلان‌شهر تهران نمونه موردی: مناطق ۳ و ۱۹

سیدمهدی موسی کاظمی^۱، محمدتقی رهنمایی^۲، قدیر فیروزنیا^۳ و محسن کلپایگانی^{۴*}

^۱استادیار دانشگاه پیام نور، آدانشیار دانشگاه تهران

^۳استادیار دانشگاه پیام نور، آدانشجوی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۱۲

چکیده

مراکز آموزش عالی کلان‌شهر تهران به‌عنوان بخشی از فضاهای پررونق شهری، به‌دلیل داشتن پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بالقوه فرهنگی، از جمله مستعدترین فضاهای فرهنگی این شهر در توسعه پایدار فرهنگ شهری به‌شمار می‌روند. بنابراین شناخت ابعاد و ماهیت مراکز آموزش عالی در این کلان‌شهر، اهمیت بسیاری دارد. هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل فضایی عملکرد مراکز آموزش عالی در ارتقای فرهنگ شهرنشینی در کلان‌شهر تهران است که بیانگر رابطه‌ی مراکز آموزش عالی و فرهنگ شهرنشینی در کلان‌شهرها است. روش تحقیق این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر دو روش مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است. برای بررسی موردی، مناطق ۳ و ۱۹ شهر تهران انتخاب شده و از طریق توزیع پرسش‌نامه، شناخت ویژگی‌ها و آزمون فرضیات بررسی شدند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه‌ی معنی‌داری میان این دو وجود دارد؛ به این شکل که مراکز آموزش عالی کلان‌شهر تهران در توسعه پایدار فرهنگ شهری تأثیرگذار بوده‌اند، اما این رابطه در منطقه ۳ قوی‌تر از منطقه‌ی ۱۹ بوده است.

واژه‌های کلیدی: فضای شهری، فرهنگ شهری، توسعه پایدار شهری، مراکز آموزش عالی، کلان‌شهر تهران

مقدمه

با توسعه شهرها و مطرح شدن اصل توسعه‌ی پایدار، توجه به اصل پایداری هر چه بیش‌تر سؤال برانگیز می‌شود. مسائل و مشکلات موجود به ویژه در شهرها، بیانگر تحقق نیافتن مشخصه‌های پایداری در آن‌ها است (موسی‌کاظمی، ۱۳۷۸: ۹۶). فرایند توسعه پایدار شهری در روند روبه رشد خود به شاخص‌های مهمی وابسته است. یکی از شاخص‌های مورد توجه در این فرایند، مراکز آموزش عالی است که در شکل‌دهی شیوه یادگیری رفتار برخورد مناسب نسل‌های آینده، با توجه به ضرورت ویژگی‌های توسعه پایدار نقش بسیار مهمی به عهده دارند؛ به طوری که به صراحت در نه فصل از چهل فصل دستور کار ۲۱ به نقش آموزش عالی در دستیابی به توسعه پایدار تأکید و به روشنی اذعان شده است که آموزش عالی برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار از طریق تربیت تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان آینده و ارائه خدمات مشاوره‌ای، فنی، آموزشی و پژوهشی پیش‌فرايندهای تولید دانش و انتقال آن در جامعه ارتباط برقرار می‌کند (علی‌بیگی، ۱۳۸۵: ۱۳۳). این مراکز به‌عنوان فضای خاص علمی، فرهنگی و کالبدی و به سبب ویژگی‌ها و کارکردهای خاص خود در فضای شهری می‌توانند ابعاد و کارکردهای متنوعی در فرهنگ‌سازی و ارتقای عملکردی فرهنگ شهرنشینی در کلان‌شهرها به عهده داشته باشند.

طرح مسأله

از آنجا که از یک‌سو کلان‌شهر تهران نیز همانند سایر کلان‌شهرهای کشورهای توسعه‌یافته، در حال حاضر با ناپایداری و چالش‌های فراوانی مواجه است و بخش بزرگی از این مشکلات ریشه در سطح فرهنگ شهری شهروندان دارد و از سوی دیگر بهره‌مندی متناسب این شهر از مراکز فرهنگی و به‌ویژه مراکز آموزش عالی در ارتقای فرهنگ شهرنشینی و ترویج رفتارهای سازنده‌ی شهروندان در فضای شهر و بسترسازی برای دستیابی به توسعه پایدار فرهنگ شهری تأثیرگذار است، بنابراین هدف پژوهش حاضر، توسعه‌ی فرهنگ شهرنشینی برای کاهش ناهنجاری‌های کالبدی، اجتماعی و فرهنگی در کلان‌شهر تهران و کمک به تحقق توسعه‌ی پایدار فرهنگ شهری است.

در این مقاله، نقش مراکز آموزش عالی در توسعه‌ی فرهنگ شهری، برای نمونه در دو منطقه‌ی ۳ و ۱۹ از کلان‌شهر تهران بررسی شده است. از این‌رو پرسش‌های اصلی در این مطالعه این است که وجود مراکز آموزش عالی در شهر تهران، چه نقشی در کاهش شکاف میان فرهنگ شهرنشینی و وضعیت مطلوب شهری در دستیابی به توسعه پایدار دارند؟ احداث یک مرکز آموزش عالی در یک منطقه از شهر تهران، از نظر عملکردی در حوزه‌ی پیرامونی خود چه تأثیراتی را به دنبال دارد؟ برای یافتن پاسخ‌هایی مناسب، فرضیاتی به شرح زیر تنظیم شده است:

۱. مراکز آموزش عالی تهران در کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری نقش مؤثری دارند.
۲. مراکز آموزش عالی در هر منطقه از شهر تهران از نظر عملکردی در حوزه‌ی پیرامونی خود تأثیرگذار هستند.

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری تحقیق

هرچند از زمان مطالعات دقیق و عملی در مورد فرهنگ شهرنشینی^۱ زمان زیادی نمی‌گذرد، اما فرهنگ شهری مقوله‌ای است که همواره از زمان تشکیل نخستین شهرها به دست انسان‌ها وجود داشته است. فرهنگ شهری به لحاظ ساختاری و کارکردی، پدیده‌ای جدید و حاصل دوران مدرن است و مستلزم صرف زمان و تلاش بیش‌تری است تا نهادینه و کارآمد شود (Barnett, 2003: 4).

از جمله کسانی که مطالعات آنان در زمینه بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی در شهر، به ارائه‌ی نظریه‌های مهمی در حوزه‌ی تحلیل تجربه شهری و نقش فرهنگ در زندگی شهروندان و فضای شهری انجامیده است، افرادی چون رونالد اینگلهارت، لوئیس ویرس، جورج زیمل، فرانکو بیانجینی، امس راپاپورت، لوئیس مامفورد، دیوید هاروی، کوئین لینچ و... هستند که در مطالعات خود به موضوع فرهنگ و عوامل فرهنگی در شهرها توجه و تأکید نموده‌اند. سابقه‌ی بررسی‌های میدانی در این زمینه به حدود دهه‌ی ۱۹۳۰ در آمریکا باز می‌گردد. از پیشگامان این دوره، رونالد اینگلهارت است که در کتابش به نام «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته‌ی صنعتی» کوشید تا تحولات ارزشی در جوامع صنعتی را نقد و بررسی کند (فنی، ۱۳۸۸: ۳۸).

هاروی، فضای شهر را محصول فرهنگ می‌داند و معتقد است که فضای شهری از طریق فرایندهای طبیعی نظام یافته است و انسان، شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه‌ی آن را شکل می‌دهد. فضای شهری حامل و آینه‌ی فکر، فرهنگ، طبیعت و منعکس‌کننده‌ی طیف اهداف اجتماعی، فناوری، ارزش‌ها و نهادهای انسانی است (Harvey, 1996: 45).

جورج زیمل در مقاله خود درباره‌ی فرهنگ شهر با عنوان «زندگی فکری و کلان‌شهر»، به مطالعه عنصر فرهنگ در محیط‌های شهری پرداخته است. زیمل چگونگی تأثیرگذاری وسعت و اندازه سکونتگاه‌ها را در زندگی فرهنگی نشان می‌دهد (ساج و وارد، ۱۳۸۰: ۱۵۷). امس راپاپورت در بررسی تفاوت‌های محیط‌های کالبدی در فضای شهرها، این تفاوت‌ها را ناشی از تفاوت فرهنگ‌ها می‌داند و معتقد است بهترین راه تجربی ساختن فرهنگ، شناخت نظام فعالیت‌ها و شیوه زندگی است. برنامه‌ریزی شهری در نظر راپاپورت، سازمان‌دهی چهار عامل در محیط شهر است که عبارتند از فضای

معنا، ارتباط و زمان (Rapoport, 1977: 9-14). لوئیس مامفورد در کتاب «فرهنگ شهری» در بررسی نقش فرهنگ در توسعه‌ی شهرها معتقد است که شهر - به گونه‌ای که در تاریخ می‌توان یافت - نقطه‌ی اوج تمرکز قدرت و فرهنگ جامعه است (Mumford, 1938: 3). اولسن در مطالعه‌ی نقش فرهنگ در پیدایش و توسعه‌ی شهرها اعتقاد دارد که هر شهری می‌تواند با تقابل غیرمنتظره‌ی اشکال، بافت‌ها، رنگ‌ها و حرکت‌ها تعجب و شادی بیافریند؛ می‌تواند با تکرار اشکال، بافت‌ها، رنگ‌ها و حرکت‌های آشنا، آرامش و اطمینان ایجاد کند؛ می‌تواند نمادی از اعتقادات، ویژگی‌ها و نهادها باشد (Olsen, 1980: 283).

فرانکو بیانجینی در مقاله‌ی خود با عنوان «فرهنگ شهری» معتقد است که شهر بیش از آنچه که پیش‌تر تصور می‌شد، هویتی فرهنگی دارد و لذا هر گونه برنامه‌ریزی شهری منطقی و واقعی می‌باید در خود حساسیت‌های لازم را نسبت به هویت فرهنگ شهرها و نیز تقویت هویت فرهنگی شهروندان در زندگی شهری مدرن داشته باشد (بیانجی، ۱۳۸۰: ۵۶). تولایی در مقاله «زمینه‌گرایی در شهرسازی»، به فرهنگ به عنوان یکی از ارکان بسیار مهم در شهرسازی و برنامه‌ریزی توجه کرده است. وظیفه‌ی شهرسازان، ایجاد مکان‌های پایداری است که بهترین تناسب را میان زمینه‌ی فرهنگی، کالبدی، نیازها و انتظارات کاربران فراهم آورند (تولایی، ۱۳۸۰: ۴۰). رهنمایی در آثار خود به‌ویژه بررسی‌های مربوط به فرایند شکل‌گیری و رشد شهرهای ایران، به عوامل فرهنگی توجه کرده است. به اعتقاد او ضرورت‌های فرهنگی یعنی تسبیح روابط اجتماعی در درون شهرها، از طریق نظام‌مند کردن آن‌ها و ضرورت‌های فرهنگی یعنی هدایت فعالیت‌های فرهنگی در مسیر بالندگی و ارتقای فرهنگ شهرنشینی... و درک این‌گونه ضرورت‌ها که ماهیت و منشأ انسانی و رفتاری دارند، نه فیزیکی و ابزاری، بر عهده‌ی برنامه‌ریزان شهری است (رهنمایی و شاه حسینی، ۱۳۸۳: ۶-۲۵).

در زمینه‌ی مراکز آموزش عالی در توسعه‌ی شهرها، افرادی هم‌چون هنری وبر، پیتر مارکوس و کاس پوتر، آنه هایل، ویم ویول و دیوید سی پری و الیزابت استروم و... درباره الگوی پراکنش فضایی مراکز آموزش عالی و تأثیرات این مراکز در همه ابعاد فضایی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی شهر، مطالعاتی انجام داده‌اند. از جمله‌ی این مطالعات، کار پیتر مارکوس و کاس پوتر با عنوان «بزرگ‌ترین دانشگاه کلمبیا»، آثار عملکردی این مرکز را از ابعاد گوناگون به ویژه از نظر عملکردهای اقتصادی در توسعه‌ی شهر بررسی قرار کرده و می‌نویسند: دانشگاه کلمبیا یکی از سه دانشگاه بزرگ بعد از دانشگاه جامع کاتولیک مسیحی و دانشگاه دولتی شهر است که نقش آن به‌عنوان صاحب املاک وسیع و سرمایه‌های فراوان، دارای عملکردهای گسترده و متفاوت از هر مالک اراضی دیگر است و اقدامات گسترده‌ای در این اراضی برای سرمایه‌گذاری و برگشت آن انجام داده‌اند (Potter & Marcuse 2008: 45).

آنه هایلا در اثر خود با عنوان «دانشگاه عامل توسعه‌ی شهر هلسینکی»، به تحلیل عملکرد فضایی مراکز دانشگاهی شهر هلسینکی و نقش مؤثر این مراکز در توسعه شهر پرداخته و می‌گوید: دانشگاه هلسینکی مانند سایر دانشگاه‌های فنلاند از دو ویژگی مهم برخوردار است: اول این‌که مانند سایر دانشگاه‌های اروپایی هم از نظر آموزشی و علمی از سطح بسیار بالایی برخوردار است و هم از این جهت که محوطه‌های دانشگاهی در مرکز شهرها واقع شده‌اند و نه در حومه‌ی شهرها، این دانشگاه نیز در مرکز شهر هلسینکی واقع شده است. دوم این‌که همان‌طور که توسعه دانشگاه‌ها در کشور فنلاند، ارتباط بسیار نزدیکی با حمایت مرکز قدرت سیاسی داشته‌اند، این دانشگاه نیز از زمان حکومت تزارها در فنلاند که در توسعه‌ی مراکز علمی و دانشگاهی نقش داشته‌اند، از طرف دولت فنلاند حمایت شده‌اند (Haila, 2008: 30).

ویم ویول و دیوید سی پری در کتاب «دانشگاه‌های جهانی و توسعه‌ی شهری» می‌نویسند: در سال‌های اخیر در ایالات متحده به انجام پژوهش‌های مربوط به مطالعه نقش دانشگاه‌ها در توسعه‌ی شهرها تمایل زیادی پیدا شده است. ما در مؤسسه لینکلن شروع کرده‌ایم به مطالعه‌ی چشم‌اندازهای سیاست کاربری زمین و نقش دانشگاه‌ها در این زمینه، به‌ویژه تعیین اهداف از شهر، کاربری زمین و این‌که پروژه‌های دانشگاهی برای بهبود ظرفیت جمعی برای دستیابی به منافع متعدد از شهرها، دانشگاه‌ها و شناسایی راه‌هایی که منافع متقابل مشترکی با یکدیگر دارند، پیش‌تاز بوده‌اند (Wiewel & Perry, 2008: 15).

در ایران نیز از ابتدای دهه‌ی ۱۳۴۰ کوشش‌هایی برای شناخت عوامل فرهنگی در فضای شهری از جمله مراکز آموزش عالی صورت گرفته است که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را در پژوهش‌های منوچهر محسنی (۱۳۷۹)، پرویز پیران، (۱۳۶۹) داود نامی (۱۳۸۶)، نوین تولایی (۱۳۸۰)، محسن حبیبی (۱۳۸۶)، حسین بحرینی (۱۳۸۶)، محمدتقی رهنمایی (۱۳۸۳) و نادرقلی قورچیان (۱۳۸۳) جست‌وجو کرد. رهنمایی در کتاب خود با عنوان «توزیع بهینه‌ی دانشگاه‌ها و مراکز علمی با نگاهی به جغرافیای فرهنگ در ایران»، با تجزیه و تحلیل ساختاری مراکز آموزش عالی ضمن بررسی عملکردهای فضایی و آثار فرهنگی در مناطق شهری کشور، راه‌کارهای علمی‌ای برای الگوی توزیع فضایی و مکان‌یابی آن‌ها ارائه کرده است و می‌نویسد: «طبیعی است که شهرها نوعی رسالت و عملکرد فرهنگی در کنار سایر عملکردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... دارند» (رهنمایی، ۱۳۸۳: ۷۱). حبیبی در کتاب «از شار تا شهر»، به نقش مراکز آموزش عالی به‌عنوان یک عامل مهم در توسعه فضای شهری تهران توجه کرده است. به اعتقاد او، دانشگاه یکی از مصادیقی است که شهر از آن هویت می‌یابد، چهره‌ی خویش را به آن می‌آراید و بدان هویت می‌بخشد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۲۴۲).

توسعه پایدار شهری و مراکز آموزش عالی

نظریه توسعه پایدار شهری، حاصل بحث‌های طرفداران محیط‌زیست درباره‌ی مسائل زیست‌محیطی، به‌ویژه محیط‌زیست شهری است که به دنبال نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار برای حمایت از منابع طبیعی ارائه شد. امروزه صاحب‌نظران در کلیه‌ی عرصه‌های علمی مرتبط با موضوعات شهری به این واقعیت پی برده‌اند که توسعه‌ی پایدار شهری، مقوله‌ای محدود به توسعه کالبدی و زیرساخت‌های شهری نبوده بلکه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود. در همین زمینه برای تحقق توسعه‌ی همه-جانبه و پایدار در مناطق شهری، ملزم به توسعه‌ی فرهنگ شهرنشینی هستیم که به اهدافی چون تقویت روحیه‌ی احترام به قانون، رعایت حقوق سایر شهروندان، حس وظیفه‌شناسی، ایجاد زمینه‌ی مناسب برای مشارکت همه‌ی شهروندان و... را در برنامه‌های مختلف توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه می‌کند. به‌طور کلی در کشورهای توسعه‌یافته، برنامه‌های فرهنگی به الگوها و راهبردهای پیشین در توسعه‌ی پایدار شهری بدل شده‌اند. این الگوها، برنامه‌های فرهنگی را تنها بخشی از اهداف توسعه قلمداد نکرده بلکه آن را جوهر توسعه می‌دانند (فلاح پسند، ۱۳۸۸: ۱۰).

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌ی پایدار شهری، آگاهی و دانش و به عبارتی جامع‌تر عوامل فرهنگی است. توسعه پایدار شهری فقط زمانی پایدار و ماندگار خواهد شد که همه شهروندان آن را به صورت یک فرهنگ بپذیرند. به عبارت دیگر توسعه‌ی پایدار شهری در صورتی تحقق می‌یابد که بستر و زمینه‌ی اجرایی آن یعنی آگاهی و دانش کافی شهروندان و نحوه‌ی نگرش آنان به اهداف و استراتژی‌های توسعه فراهم شود تا امکان پذیرش آن‌ها توسط شهروندان و مشارکت گسترده‌ی آنان ایجاد شود. این وضعیت در جوامع و شهرهای گوناگون متفاوت است و به عوامل متعدد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی هر شهر و میزان نیاز این جوامع به برنامه‌های ویژه‌ی توسعه بستگی دارد که باید به آن‌ها توجه شود. در نتیجه اهداف کلی پایداری در هر جامعه، لزوماً نباید برای سنجش پیشرفت در جامعه‌ای دیگر مناسب باشد. با وجود این، برخی ویژگی‌های بنیادی برای شاخص‌های پایداری وجود دارد که همه جوامع در آن هم نظرند و باید آن‌ها را در سیاست‌ها و برنامه‌های خود اعمال کنند (موسی کاظمی، ۱۳۸۰: ۱۰۰-۱۰۱).

الگوی پراکنش فضایی مراکز آموزش عالی در همه ابعاد فضایی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی شهر تأثیرگذار است. احداث یک دانشگاه در یک شهر یا بخشی از یک شهر تنها یک افزایش کمی و تک بعدی در شهر محسوب نمی‌شود، بلکه زنجیره‌ای از تأثیرات جغرافیایی گسترده‌ای را بر توسعه‌ی فضایی و اجتماعی شهر ایجاد می‌کند. مراکز آموزش عالی در فضای شهری، از یک سو در توسعه‌ی فضای کالبدی و فیزیکی شهر، به عنوان عاملی تأثیرگذار می‌توانند در جهت‌دهی و هدایت توسعه‌ی شهر نقش مؤثری را ایفا کنند و از سوی دیگر علاوه بر وظایف علمی و آموزشی، نهادهای فرهنگی تلقی می‌شوند

که با توجه به جایگاه خاص خود می‌توانند بستر مناسبی را برای تغییر در نحوه‌ی نگرش به شهر و رفتار شهروندان در محیط شهری و دستیابی به توسعه پایدار فرهنگی شهرها هموار نمایند.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش، ترکیبی از روش‌های توصیفی-تحلیلی است. در مرحله‌ی نخست، نیازمند مطالعات بنیادی و نظری گسترده‌ای است که از دیدگاه‌های مطرح در جغرافیای شهری سود جسته است و اطلاعات مورد نیاز از منابع مدون و معتبر جمع‌آوری شده است. از سوی دیگر، با مطالعه و بررسی میدانی با استفاده از توزیع پرسش‌نامه، به ارزیابی نظر شهروندان و تحلیل تأثیرات عملکردی مراکز آموزش عالی در توسعه‌ی فرهنگ شهری کلان‌شهر تهران پرداخته می‌شود. جامعه‌ی آماری در این تحقیق در بخش فعالیت‌های میدانی، شهروندان بین ۲۰ تا ۶۰ سال مناطق ۳ و ۱۹ شهرداری تهران است که برای پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها انتخاب می‌شوند.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت شهر تهران ۷۷۰۵۰۳۶ نفر بوده است که در ۷/۷۸۰ کیلومتر مربع سکونت داشته‌اند. جمعیت و مساحت این دو منطقه در این سال روی هم رفته ۵۴۰۵۱۲ نفر و ۵۱/۱ کیلومتر مربع بوده است که به ترتیب پنج درصد جمعیت و هفت مساحت شهر تهران را تشکیل داده است. به این ترتیب جامعه‌ی آماری این تحقیق، تعداد افراد بین ۲۰ تا ۶۰ سال در دو منطقه ۳ و ۱۹ و روی هم به‌عنوان جامعه‌ی آماری به ترتیب ۱۸۵۷۹۰ نفر و ۱۴۹۵۴۳ نفر و ۳۳۵۳۳۳ نفر بوده است که برای تعیین حجم نمونه در نظر گرفته شده است.

برای تعیین سؤالات مورد نیاز، ابتدا از اهداف و فرضیه‌های پژوهش و سپس چارچوب نظری تعیین شده به‌عنوان اساس تعیین سؤالات استفاده شده است. با استفاده از متغیرهای موجود (مراکز آموزش عالی و فرهنگ شهری) و ابعاد فرهنگی - اجتماعی و کالبدی نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار شهری و مؤلفه‌ی تفاوت‌های فرهنگی و شکاف فرهنگ شهری شهروندان و آثار عملکردی مراکز آموزش عالی در حوزه‌ی پیرامونی، گویه‌های لازم برای سنجش تعریف و تدوین پرسش‌نامه لحاظ شد (جدول ۱ و جدول ۲).

برای گردآوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه با استفاده از روش کوکران، حجم نمونه به تعداد ۶۳۰ نفر از سرپرستان خانوارهای ساکن در دو جامعه‌ی آماری، یعنی جمعیت مناطق ۳ و ۱۹ شهر تهران با توجه به میزان برخورداری مراکز آموزش عالی و با توجه به این‌که این دو منطقه بیش‌ترین و کم‌ترین مراکز آموزش عالی را دارند، برای انجام بررسی‌های مورد نظر در تحقیق انتخاب شدند و مورد پرسش قرار گرفتند. به علت ناقص بودن برخی پرسش‌نامه‌ها، به ۳۰۰ نفر در هر منطقه تقلیل یافتند. در این پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. در مرحله‌ی اول با انجام آزمون مقدماتی ۳۰ پرسش‌نامه تکمیل شد و سپس با برآورد ضریب پایانی، برخی از سؤالات حذف گردید. بر این اساس ضریب پایانی

مقیاس نگرش به مراکز آموزش عالی ۰/۸۲ است. در مرحله‌ی بعدی به انجام تغییراتی در نظام نمره-گذاری بر پایه‌ی روش طیف لیکرت که شامل ۵ مقوله (خیلی زیاد تا خیلی کم) بود، بسنده شد. در نهایت با توجه به ماهیت تحقیق، با استفاده از روش‌های کمی و پردازش‌های رایانه‌ای و مدل‌ها، نظیر نرم افزارهای SPSS به تحلیل داده‌ها اقدام شده است.

جدول ۱- گویه‌های مربوط به مؤلفه‌ی تفاوت‌های فرهنگی و شکاف فرهنگ شهری شهروندان

ردیف	گویه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	احداث مراکز آموزش عالی موجب کاهش شکاف تغییر نگرش شهروندان تهرانی در مناطق مختلف به فضای شهر، ترویج رفتارهای مطلوب و رعایت قوانین و مقررات زندگی شهری شده است.					
۲	شکل‌گیری مراکز آموزش عالی در هر نقطه از شهر تهران در تفاوت نگرش شهروندان به فضای شهری، توجه به زیبایی شهر و فرهنگ مسئولیت‌پذیری تأثیرگذار بوده است.					
۳	ایجاد مراکز آموزش عالی در کاهش شکاف نوع نگرش و الگوهای رفتاری شهروندان از نظر ارزش‌های زیست‌محیطی شهر و فرهنگ استفاده از خدمات شهری در مناطق مختلف نقش مؤثری داشته است.					
۴	تکوین مراکز آموزش عالی در کاهش شکاف میان شهروندان تهرانی در مناطق مختلف از نظر فرهنگ همسایگی و ارزش‌های محله‌ای و رعایت حقوق سایر شهروندان نقش مؤثری داشته است.					
۵	ایجاد مراکز آموزش عالی در کاهش تفاوت‌های رفتاری شهروندان از نظر رعایت قوانین و مقررات ترافیکی، نوع استفاده از معابر و فضای شهری و سامانه‌های حمل و نقل در مناطق مختلف کلان‌شهر تهران اثرگذار بوده‌اند.					

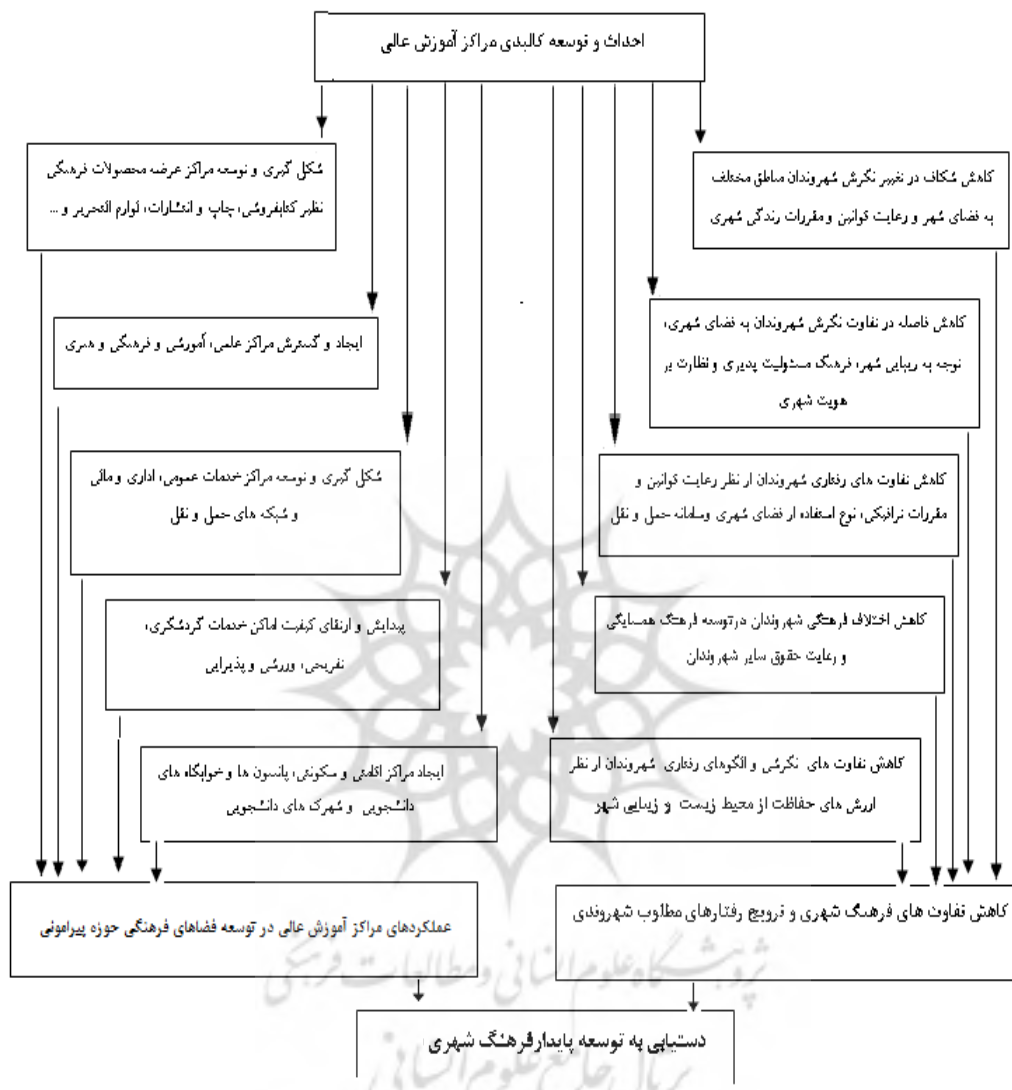
مأخذ: نگارنده، یافته‌های نظری رساله‌ی دکتری

جدول ۲- گویه‌های مؤلفه آثار عملکردی مراکز آموزش عالی و توسعه فضاهای فرهنگی در حوزه‌ی پیرامونی

ردیف	گویه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	ایجاد مراکز آموزش عالی در شکل‌گیری و توسعه‌ی مراکز عرضه‌ی محصولات فرهنگی در حوزه‌ی پیرامونی تأثیر گذار بوده است.					
۲	شکل‌گیری و تکوین مراکز آموزش عالی در ایجاد و گسترش مراکز علمی، آموزشی و فرهنگی و هنری مؤثر بوده‌اند.					
۳	ایجاد مراکز آموزش عالی در شکل‌گیری و توسعه‌ی مراکز خدمات عمومی، اداری و مالی و شبکه‌های حمل و نقل نقش داشته‌اند.					
۴	شکل‌گیری و تکوین مراکز آموزش عالی در پیدایش و ارتقای کیفیت اماکن خدمات گردشگری، تفریحی، ورزشی و پذیرایی تأثیر گذار بوده‌اند.					
۵	احداث مراکز آموزش عالی و توسعه‌ی کالبدی آن‌ها در ایجاد مراکز اقامتی و سکونتی، پانسیون‌ها و خوابگاه‌های دانشجویی اثر داشته‌اند.					

مأخذ: نگارنده، یافته‌های نظری رساله‌ی دکتری

در این بخش با توجه به فرضیه‌های تحقیق، برای بررسی نقش این مراکز در ارتقای فرهنگ شهری در قالب الگوی پیشنهادی که روابط علت و معلولی میان متغیرهای مراکز آموزش عالی و فرهنگ شهری را نشان می‌دهد، به‌عنوان الگوی تحلیلی تحقیق انتخاب شده است. شکل (۱) نقش مراکز آموزش عالی در ارتقای فرهنگ شهری و دست‌یابی به توسعه پایدار شهری را نشان می‌دهد. بر اساس مدل فرضی پژوهش، به متغیرهایی در سطح کلان و خرد توجه شده است. اصلی‌ترین متغیر یا متغیر وابسته در این مطالعه، دو متغیر «مراکز آموزش عالی» و «ارتقای فرهنگ شهری» است که رابطه‌ی این دو با یکدیگر و همچنین مجموعه‌ای از متغیرهای به هم پیوسته آنچنان که در شکل ۱ آمده است، مورد توجه قرار می‌گیرد.



شکل ۱- نقش مراکز آموزش عالی در توسعه پایدار فرهنگ شهری
 مأخذ: نگارنده، یافته‌های نظری رساله‌ی دکتری

محدوده و قلمرو پژوهش

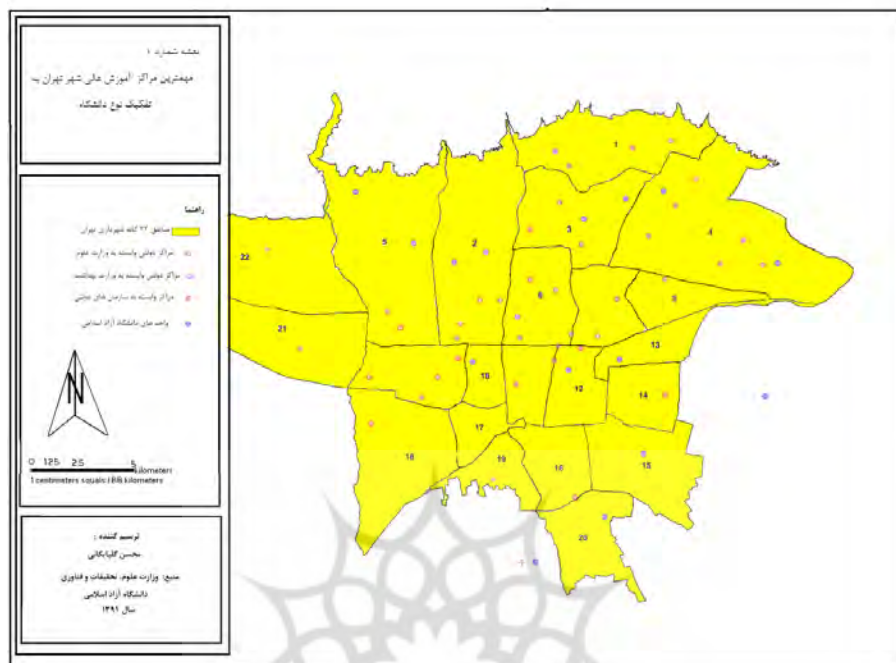
قلمرو مکانی و زمانی پژوهش به شرح زیر است:

۱- به طور کلی قلمرو مکانی در این تحقیق، محدوده‌ی جغرافیایی شهر تهران است که به مرزهای مناطق ۲۲ گانه شهر تهران ختم می‌شود. در واقع شاخص‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بررسی آن‌ها از منظر عملکرد فضایی مراکز آموزش عالی در ارتقای فرهنگ شهرنشینی در محدوده‌ی مناطق مورد نظر، حدود اداری منطبق بر مصوبات طرح جامع تفضیلی شهر تهران ارزیابی شده است. شهر تهران در مرکز استان تهران واقع شده و از نظر موقعیت جغرافیایی در ۵۱ درجه و ۸۰ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. ارتفاع آن از ۱۷۰۰ متر در شمال به ۱۲۰۰ متر در مرکز و بالاخره ۱۱۰۰ متر در جنوب می‌رسد. تهران در پهنه‌ای میان دو وادی کوه و کویر و در دامنه‌های جنوبی البرز گسترده شده است. از سمت جنوب به کوه‌های ری و بی‌بی شهربانو و دشت‌های هموار ورامین و از شمال به واسطه کوهستان محصور شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: ۲۱). مناطق ۳ و ۱۹ از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه انتخاب شده است.

۲- قلمرو زمانی این پژوهش نیز با توجه به تحلیل و بررسی ناپایداری‌ها و پایین بودن سطح فرهنگ شهرنشینی و نامتوازنی میان سطوح مادی و معنوی فرهنگ در سطح شهر تهران در وضع موجود، زمان کنونی انجام تحقیق سال ۱۳۹۰ است.

بحث اصلی

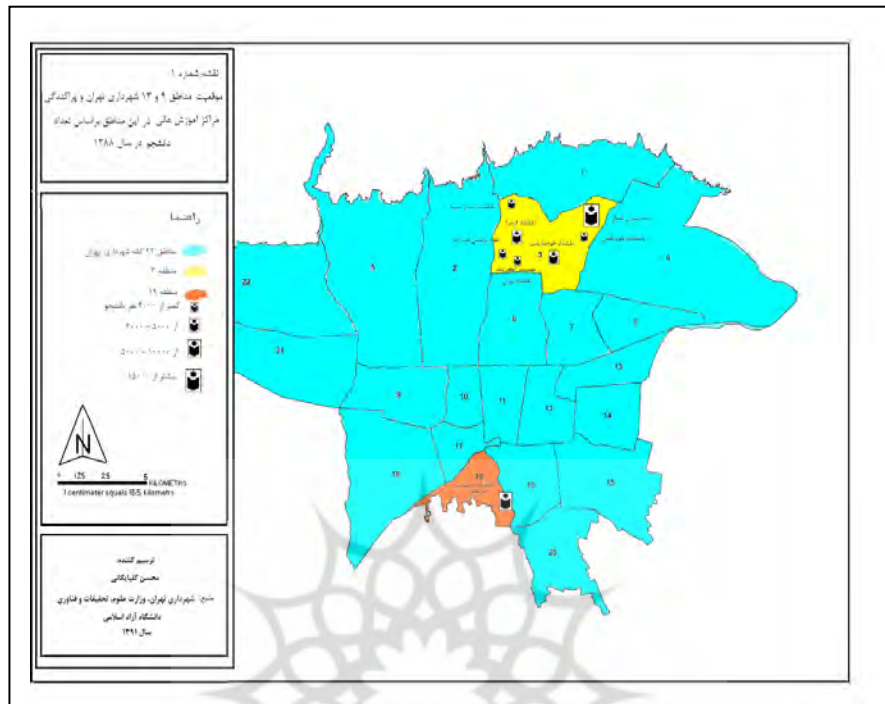
در سال ۱۲۳۰ هجری شمسی مدرسه‌ی دارالفنون، اولین مرکز آموزش عالی مدرن در شهر تهران، تأثیرات چشمگیری را در فضای شهری به دنبال داشته است. احداث دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ در شمال شهر و اراضی جلالیه در جهت‌دهی توسعه شهر به‌عنوان یک هسته مرکزی در حوزه پیرامونی خود، نقش مؤثری به عهده داشته است. از سال ۱۳۲۰ به بعد روند احداث دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در مناطق مختلف شهر تهران شدت گرفت. استقرار این مراکز سبب افزایش عملکردهای فرهنگی و اقتصادی در حوزه‌های پیرامونی این مراکز و تغییر ساختار فضایی تهران بزرگ گردید. پس از پیروزی انقلاب و از سال ۱۳۵۷ به بعد، به دنبال شعارهای انقلاب و توسعه‌ی عدالت آموزشی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی یکی پس از دیگری در مناطق مختلف شهر و مجموعه‌ی شهری تهران احداث شد که در گسترش فضایی - کالبدی و تحولات فرهنگی شهر تأثیرگذار بوده است. شکل ۱، مهم‌ترین مراکز آموزش عالی کلان‌شهر تهران را به تفکیک نوع دانشگاه نشان می‌دهد.



شکل ۲- مهم ترین مراکز آموزش عالی کلان شهر تهران به تفکیک نوع دانشگاه

منطقه ۳ در شمال شهر تهران، بیش از ۳۲ کیلومتر مربع وسعت دارد که از شمال شرق به بزرگراه صدر، از شمال غرب به بزرگراه مدرس، از جنوب شرق به بزرگراه رسالت، از جنوب غرب به بزرگراه شهید همت، از غرب به بزرگراه شهید چمران و از شرق به خیابان پاسداران محدود می شود. جمعیت این منطقه در سال ۱۳۸۵، ۲۹۰۷۲۶ نفر بوده است. مراکز آموزش عالی واقع در این منطقه عبارتند از: دانشگاه الزهراء، دانشگاه خواجه نصیر، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، واحد علوم پزشکی و واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد اسلامی، مؤسسه علوم بانکی و مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران.

منطقه ۱۹ در جنوب شهر واقع شده و معادل ۸۹ کیلومتر مربع وسعت دارد. این منطقه از شرق و شمال شرق به خیابان بهمنیار و بزرگراه تندگویان، از شمال غرب به بزرگراه نواب صفوی، از جنوب به بهشت زهرا و بزرگراه آزادگان، از شرق به بزرگراه سعیدی و خیابان زمزم محدود می شود و جمعیت این منطقه در سال مورد نظر، برابر با ۲۴۹۷۸۶ نفر بوده است. مرکز آموزش عالی تربیت دبیر شریعتی در این منطقه واقع شده است. شکل ۲، پراکندگی مراکز آموزش عالی در مناطق ۳ و ۱۹ شهر تهران را براساس تعداد دانشجو نشان می دهد.



شکل ۳- موقعیت مناطق ۳ و ۱۹ شهرداری تهران و پراکندگی مراکز آموزش عالی بر اساس تعداد دانشجو

در ابتدای پژوهش برای آگاهی از روند و میزان تأثیرگذاری مراکز آموزش عالی در ارتقای فرهنگ شهری در کلان‌شهر تهران، با الهام از اصول اولیه‌ی فرهنگی فضای شهر، فرضیاتی تدوین شد و به بررسی و تنظیم مؤلفه‌های خاصی برای هر فرضیه پرداخته شد. برای دستیابی به این مؤلفه‌ها، با استفاده از سؤالات پرسش‌نامه، شاخص‌هایی تدوین شد و پس از آن برای بررسی تأثیر مراکز آموزش عالی بر دو شاخص مورد نظر، از آزمون ناپارامتری دو جمله‌ای به تفکیک در مناطق ۳ و ۱۹ و برای بررسی تفاوت معنی‌داری بین دو منطقه، از آزمون ناپارامتری مان - ویتنی استفاده شد.

نتایج آزمون فرضیه اول

برای آزمون فرضیه اول- یعنی مراکز آموزش عالی شهر تهران در کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری در دستیابی به توسعه‌ی پایدار، تأثیر بالایی دارند- ابتدا از آزمون ناپارامتری دو جمله‌ای به تفکیک برای مناطق ۳ و ۱۹ استفاده شده است که نتایج آن به شرح زیر بیان می‌شود:

H۰: مراکز آموزش عالی شهر تهران در کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری در دستیابی به توسعه پایدار تأثیر بالایی ندارند.

H۱: مراکز آموزش عالی شهر تهران در کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری در دستیابی به توسعه پایدار تأثیر بالایی دارند.

همان‌طور که نتایج داده‌ها در جدول (۳) نشان می‌دهد، در منطقه ۳ چون مقدار سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۰ و کوچک‌تر از مقدار خطا ۰/۰۵ است و همچنین مقدار بالاتر از نقطه برش برابر ۰/۷۲ و بزرگ‌تر از مقدار پایین‌تر از نقطه برش برابر ۰/۲۸ است. پس فرضیه ۱ برای منطقه ۳ تأیید می‌شود؛ یعنی مراکز آموزش عالی منطقه ۳ شهر تهران در کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری در دستیابی به توسعه پایدار تأثیر بالایی دارند.

جدول ۳- آزمون دوجمله‌ای تأثیر مراکز بر کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی در منطقه ۳ و ۱۹

منطقه	نقطه برش	درصد پایین‌تر از نقطه برش	درصد بالاتر از نقطه برش	سطح معنی‌داری	کمترین امتیاز	بیشترین امتیاز	میانگین	انحراف معیار
۳	۲,۵	۰,۲۸	۰,۷۲	۰,۰۰۰	۱	۴	۳,۰۱۳۳	۰,۹۷۲۷۲
۱۹	۲,۵	۰,۴۶	۰,۵۴	۰,۲۲۵	۱	۴	۲,۶۰۰۰	۱,۰۳۲۰۶

اما این وضعیت در منطقه ۱۹ متفاوت است، زیرا مقدار سطح معنی‌داری برابر ۰/۲۲۵ و بزرگ‌تر از مقدار خطا ۰/۰۵ است. پس تأثیر متوسط را نتیجه می‌گیریم. بنابراین فرضیه ۱ برای منطقه ۱۹ تأیید نمی‌شود؛ یعنی مراکز آموزش عالی منطقه ۱۹ شهر تهران در کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری و همچنین دستیابی به توسعه پایدار تأثیر بالایی ندارد. برای مقایسه‌ی اختلاف معنی‌دار تأثیر مراکز آموزش عالی در کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری در دستیابی به توسعه پایدار در دو منطقه ۳ و ۱۹، از آزمون مان ویتنی به شرح زیر استفاده شده است:

H۰: تأثیر مراکز آموزش عالی بر کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری در دستیابی به توسعه در دو منطقه ۳ و ۱۹، اختلاف معنی‌داری ندارد.

H۱: تأثیر مراکز آموزش عالی بر کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری در دستیابی به توسعه در دو منطقه ۳ و ۱۹، اختلاف معنی‌داری دارد.

همان‌طور که داده‌های جدول (۴) نشان می‌دهد، چون مقدار سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و کوچک‌تر از مقدار خطا ۰/۰۵ است (مقدار قدر مطلق برابر ۴/۸۸۳ و بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ است)، فرض یک را نتیجه می‌گیریم؛ یعنی بین دو منطقه ۳ و ۱۹ از لحاظ تأثیر مراکز آموزش عالی بر کاهش شکاف میان

فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری در دستیابی به توسعه، اختلاف معنی داری وجود دارد. منطقه ۳ با میانگین رتبه ۳۳۴/۵۹، در وضعیت مطلوب تری نسبت به منطقه ۱۹ با میانگین رتبه ۲۶۶/۴۱ می باشد. این وضعیت نشان می دهد که تأثیرگذاری مراکز آموزش عالی در کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری در دستیابی به توسعه پایدار در منطقه ۳ بالاتر از منطقه ۱۹ بوده است.

جدول ۴- آزمون مان ویتنی برای مقایسه تأثیر مراکز آموزش عالی بر کاهش شکاف فرهنگ شهروندی در مناطق ۳ و ۱۹.

متغیر	سطح معنی داری	مقدار خطا	آماره Z	تایید فرض	نتیجه گیری
تأثیر مراکز آموزش عالی بر کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و ... در دستیابی به توسعه	۰,۰۰۰	۰,۰۵	- ۴,۸۸۳	۱H	$\mu_3 \neq \mu_{19}$

نتایج آزمون فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم - یعنی احداث مراکز آموزش عالی در هر منطقه از شهر تهران از نظر عملکردی در حوزه پیرامونی خود تأثیر بالایی داشته است - همانند فرضیه اول ابتدا از آزمون ناپارامتری دوجمله ای به تفکیک برای مناطق ۳ و ۱۹ استفاده شده است و سپس با استفاده از آزمون ناپارامتری مان ویتنی به بررسی هر دو منطقه از نظر تفاوت معنی داری با یکدیگر می پردازیم که نتایج آن به شرح زیر بیان می شود:

۰H: احداث مراکز آموزش عالی در هر منطقه از شهر تهران از نظر عملکردی در حوزه پیرامونی خود تأثیر بالایی نداشته است.

۱H: احداث مراکز آموزش عالی در هر منطقه از شهر تهران از نظر عملکردی در حوزه پیرامونی خود تأثیر بالایی داشته است.

جدول ۵- آزمون دوجمله ای بررسی تأثیر مراکز آموزش عالی از نظر عملکردی در حوزه پیرامونی خود در منطقه ۳

منطقه	نقطه برش	درصد پایین تر از نقطه برش	درصد بالاتر از نقطه برش	سطح معنی داری	کمترین امتیاز	بیشترین امتیاز	میانگین	انحراف معیار
۳	۲,۵	۰,۱۸	۰,۸۲	۰,۰۰۰	۱	۴	۳,۱۸۳۳	۰,۸۵۵۸۲
۱۹	۲,۵	۰,۳۶	۰,۶۴	۰,۰۰۰	۱	۴	۲,۷۴۰۰	۱,۰۷۰۶۸

همان‌گونه که در جدول (۵) آمده است، چون مقدار سطح معنی‌داری منطقه‌ی ۳ برابر $0/000$ و کوچک‌تر از مقدار خطا $0/05$ است و همچنین مقدار بالاتر از نقطه برش برابر $0/182$ و بزرگ‌تر از مقدار پایین‌تر از نقطه برش برابر $0/18$ است، پس فرضیه‌ی ۲ در منطقه‌ی ۳ تأیید می‌شود؛ یعنی احداث مراکز آموزش عالی در منطقه‌ی ۳ از شهر تهران از نظر عملکردی در حوزه پیرامونی خود، تأثیر بالایی داشته است. این وضعیت برای منطقه ۱۹ نیز به همین شکل است، زیرا مقدار سطح معنی‌داری برابر $0/000$ و کوچک‌تر از مقدار خطا $0/05$ است و همچنین مقدار بالاتر از نقطه برش برابر $0/64$ و بزرگ‌تر از مقدار پایین‌تر از نقطه برش برابر $0/36$ است. بنابراین فرضیه‌ی ۲ برای منطقه‌ی ۱۹ نیز تأیید می‌شود؛ یعنی احداث مراکز آموزش عالی در منطقه‌ی ۱۹ از شهر تهران از نظر عملکردی در حوزه‌ی پیرامونی خود، تأثیر بالایی داشته است. برای مقایسه اختلاف معنی‌داری تأثیر مراکز آموزش عالی از نظر عملکردی در حوزه پیرامونی خود در دو منطقه ۳ و ۱۹، از آزمون مان ویتنی به شرح زیر استفاده شده است:

H: تأثیر مراکز آموزش عالی از نظر عملکردی در حوزه پیرامونی خود در دو منطقه ۳ و ۱۹، اختلاف معنی‌داری ندارد.

H: تأثیر مراکز آموزش عالی از نظر عملکردی در حوزه پیرامونی خود در دو منطقه ۳ و ۱۹، اختلاف معنی‌داری دارد.

جدول ۶- آزمون مان ویتنی برای مقایسه تأثیر مراکز ... از نظر عملکردی در حوزه پیرامونی در دو منطقه ۳ و ۱۹

متغییر	سطح معنی داری	مقدار خطا	آماره Z	تایید فرض	نتیجه گیری
تأثیر مراکز آموزش عالی از نظر عملکردی در حوزه پیرامونی خود	$0,000$	$0,05$	$-5,327$	۱H	$\mu_3 \neq \mu_{19}$

بر اساس آنچه در جدول (۶) آمده است، چون مقدار سطح معنی‌داری $0/000$ و کوچک‌تر از مقدار خطا $0/05$ است (مقدار قدر مطلق آماره Z برابر $5/327$ و بزرگ‌تر از مقدار $1/96$ است)، فرض یک را نتیجه می‌گیریم؛ یعنی میان دو منطقه‌ی ۳ و ۱۹ از لحاظ تأثیر مراکز آموزش عالی از نظر عملکردی در حوزه‌ی پیرامونی خود، اختلاف معنی‌داری وجود دارد. منطقه ۳ با میانگین رتبه $337/64$ در وضعیت مطلوب‌تری نسبت به منطقه ۱۹ با میانگین رتبه $263/36$ می‌باشد. از آنجا که بین منطقه ۳ و ۱۹ از نظر شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی و بافت فیزیکی و کالبدی تفاوت‌های بسیاری وجود دارد، تمرکز این مشاغل و خدمات در حوزه پیرامونی یک مرکز آموزش عالی در منطقه ۳ محسوس‌تر بوده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق در مناطق مورد بررسی کلان‌شهر تهران، دو ناحیه‌ی فرهنگی متفاوت را نشان می‌دهد که هر یک با توجه به الگوی پراکنش مراکز آموزش عالی چشم‌اندازهای فرهنگی و فرهنگ شهری ویژه‌ای را به وجود آورده است:

بر اساس یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه ۱ مربوط به تأثیرگذاری مراکز آموزش عالی در کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری در دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار، نتایج این تحقیق بیانگر آن است که در منطقه ۳، رابطه معنی‌داری بین این دو وجود دارد. این داده‌ها تأیید می‌کند که مراکز آموزش عالی منطقه ۳ شهر تهران در کاهش شکاف میان فرهنگ شهروندی و وضعیت مطلوب شهری در دست‌یابی به توسعه پایدار، تأثیر بالایی دارد؛ اما این وضعیت در منطقه ۱۹ متفاوت است، یعنی در این منطقه تأثیر بالایی ندارد. این وضعیت نشان می‌دهد که میزان تأثیرگذاری در منطقه‌ی ۳ بالاتر از منطقه‌ی ۱۹ بوده است.

یافته‌های آزمون فرضیه ۲ این مطالعه نشان داد که تأثیرگذاری عملکردی مراکز آموزش عالی در حوزه‌ی پیرامونی این مراکز در هر دو منطقه، سطح معنی‌داری بالایی را نشان می‌دهد. به عبارتی داده‌های مورد نظر در هر دو منطقه ۳ و ۱۹ تأیید می‌شود؛ یعنی احداث مراکز آموزش عالی در هر دو منطقه از شهر تهران از نظر عملکردی در حوزه پیرامونی خود تأثیر بالایی داشته است و بین دو منطقه‌ی ۳ و ۱۹ از لحاظ میزان تأثیرگذاری این مراکز، اختلاف معنی‌داری وجود دارد؛ منطقه ۳ در وضعیت مطلوب‌تری نسبت به منطقه ۱۹ قرار دارد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش حاضر در می‌یابیم که یکی از محورهای توسعه‌ی شهری پایدار، ایجاد پیوند و تعامل میان مراکز آموزش عالی و مدیریت شهری است که در ایران هنوز جایگاه شایسته خود را پیدا نکرده است. از این رو به‌منظور معرفی جایگاه مراکز آموزش عالی در ارتقای فرهنگ شهری و دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار فرهنگ شهری در کلان‌شهر تهران بر اساس ابعاد توسعه پایدار، پیشنهادها و توصیه‌هایی به شرح ذیل بیان می‌گردد:

۱- فضای کالبدی مراکز آموزش عالی و توسعه‌ی فرهنگ شهری

* مراکز آموزش در فضای شهری می‌توانند ابعاد و کارکردهای متنوعی در فرهنگ‌سازی و ارتقای عملکردی فرهنگ شهرنشینی در کلان‌شهر به عهده داشته باشند. بنابراین می‌توان گفت:

- توزیع بهینه و مطلوب مراکز آموزش عالی در مناطق مختلف شهر تهران و توجه به مناطق محروم و نابرخوردار در مکان‌یابی برای احداث و توسعه‌ی فضایی مراکز آموزش عالی.
- تأکید بر سرمایه‌گذاری بیش‌تر در بخش آموزش عالی در مناطق مختلف شهر تهران برای ایجاد تعادل بین انسان، فعالیت و فضای شهری.
- توجه به ارزش‌های زیبایی‌شناسی معماری و کالبدی بناهای مراکز آموزش عالی در سامان‌دهی فضای شهری تهران.

۲- مراکز آموزش عالی و آموزش همگانی فرهنگ شهری

* مراکز آموزش عالی به اشکال زیر می‌توانند در دست‌یابی به توسعه پایدار فرهنگ شهری تأثیرگذار باشند:

الف) فعالیت‌های آموزشی: مراکز آموزش عالی شهر تهران از سه طریق می‌تواند در توسعه آموزش فرهنگ شهری نقش آفرین باشد.

- آموزش رسمی به دانشجویان: با تأکید بر مفاهیم توسعه‌ی پایدار فرهنگی شهر، ارزش‌های زندگی شهری و اخلاق شهروندی و... در تدوین کتب درسی و متون آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی.
- آموزش غیررسمی: به صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت به شهروندان، مانند: کارگاه‌های آموزشی، سمینارها، همایش‌ها و اجرای پروژه‌های پیش‌تاز و غیره.
- آموزش‌های آزاد: ارتقای آگاهی مردم در مورد مفاهیم توسعه‌ی پایدار فرهنگ شهری از طریق برگزاری دوره‌های آموزش آزاد برای علاقمندان.
- ب) فعالیت‌های پژوهشی:** تصویب، اجرا و حمایت از طرح‌های پژوهشی در مورد مفاهیم توسعه پایدار فرهنگی شهر، ارزش‌های زندگی شهری و اخلاق شهروندی و غیره.
- ج) ارائه‌ی خدمات اجتماعی به نهادهای مرتبط با مدیریت شهری:** استفاده از فضای فیزیکی این مراکز برای برگزاری جشنواره‌های فرهنگی شهر و الگوهای برتر فرهنگ شهری در سطح شهرها برای افزایش ذائقه‌سازی و توسعه‌ی فرهنگ شهری در بین شهروندان.

۳- مراکز آموزش عالی و تقویت فرهنگ مشارکت عمومی در اداره‌ی امور شهر

- * با توجه به نقش مؤثر عناصر مراکز آموزش عالی به عنوان نیروهای پیشرو در روند توسعه‌ی همه‌جانبه فرهنگی-اجتماعی شهر تهران و آگاه‌سازی افراد جامعه، اقدامات زیر ضروری است:
- نقش مؤثر نیروهای متخصص و با تجربه‌ی دانشگاهی و دانشجویان در ایجاد تشکلهای مردمی و به‌منظور موفقیت بیش‌تر و تقویت مشارکت عمومی.

- ایجاد هماهنگی میان مراکز آموزش عالی و سازمان‌های مدیریت شهری برای آموزش شهروندان برای بهره‌گیری بهینه و هدفمند جهت توسعه و تقویت مشارکت مردمی در اداره‌ی امور شهرها.
- تشکیل نهادهای مشترک برای ایجاد ارتباط میان مراکز آموزش عالی و مدیریت شهری در تدوین برنامه‌ریزی فرهنگی شهر.

۴- مراکز آموزش عالی و برنامه‌ریزی فرهنگی شهر

* مراکز آموزش عالی در تدوین استراتژی برنامه‌ریزی فرهنگی شهر در فرایند توسعه‌ی پایدار فرهنگی شهر، مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار به شمار می‌روند. از این‌رو مدیریت شهری درباره‌ی مراکز آموزش عالی در کلان‌شهرها می‌تواند اقدامات زیر را انجام دهد:

- برنامه‌ریزی فرهنگی برای کلان‌شهرها، برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار شهری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که باید از طریق مشارکت مؤثر مراکز آموزش عالی در رأس سایر برنامه‌های توسعه شهری قرار گیرد.
- کوشش برای ایجاد فضایی مستعد برای استفاده از پتانسیل‌های مراکز آموزش عالی و ایجاد شبکه‌های علمی فعال و کارآمد از طریق ایجاد مراکز ارتباط بین شهر و مراکز آموزش عالی.
- ایجاد شبکه‌ای از پژوهشگران، کارشناسان و شهروندان با محوریت مراکز آموزش عالی و مؤسسات دانش‌بنیان در زمینه‌ی مسایل فرهنگی و اجتماعی شهری برای فراهم شدن امکان برنامه‌ریزی با مشارکت شهروندان.

منابع

- ۱- بیانچی، فرانکو. ۱۳۸۰. فرهنگ شهری. ترجمه سیدمحمود نجاتی حسینی، فصل‌نامه مدیریت شهری، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۳، صفحات ۵۶-۶۱.
- ۲- تولایی، نوین. ۱۳۸۰. زمینه‌گرایی در شهرسازی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صفحات ۱۳-۱۹.
- ۳- حبیبی، محسن. ۱۳۸۴. از شار تا شهر. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- رهنمایی، محمدتقی. ۱۳۸۳. توزیع بهینه دانشگاه‌ها و مراکز علمی با نگاهی به جغرافیای فرهنگ در ایران. دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۵- رهنمایی، محمدتقی و پروانه شاه‌حسینی. ۱۳۸۳. فرایند برنامه‌ریزی شهری در ایران. تهران، سمت.
- ۶- ساوج، مایک و آلن وارد. ۱۳۸۰. جامعه‌شناسی شهری. ترجمه‌ی دکتر ابوالقاسم پوررضا، تهران، سمت.
- ۷- شکویی، حسین. ۱۳۸۵. اندیشه‌های نو در فلسفه‌ی جغرافیا. جلد دوم، تهران، گیتاشناسی.
- ۸- شکویی، حسین. ۱۳۸۵. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. جلد اول، تهران، سمت.
- ۹- علی بیگی، امیرحسین. ۱۳۸۵. توسعه‌ی پایدار و آرمان آموزش عالی. کرمانشاه، دانشگاه رازی.

- ۱۰- فلاح پسند، علی. ۱۳۸۷. اقتصاد فرهنگی و تجربه‌های جهانی با نگاهی به چهره فرهنگی تهران، نشریه ایران-شهر، شماره ۱۱ و ۱۲، صفحات ۸-۱۶.
- ۱۱- فنی، زهره. ۱۳۸۸. بررسی ابعادی از تحولات جغرافیای فرهنگی شهر (مطالعه موردی: مناطق ۱ و ۱۲ شهر تهران)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۸، صفحات ۳۷-۵۴.
- ۱۲- قورچیان، نادرقلی. ۱۳۸۳. دانشگاه‌ها به مثابه‌ی الگوی توسعه پایدار. مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه-ی پایدار، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، جلد دوم، تهران، صفحات ۶۲-۶۹.
- ۱۳- لطیفی، غلامرضا. ۱۳۸۴. فرایند مدیریت شهری تهران پس از جنگ تحمیلی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیستم، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۴، صفحات ۱۴۶-۱۵۵.
- ۱۴- موسی کاظمی، سید مهدی. ۱۳۸۰. ارزیابی توسعه‌ی پایدار در توسعه‌ی شهری (پژوهش موردی قم)، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۵- موسی کاظمی، سیدمهدی. ۱۳۸۱. توسعه پایدار شهری، مفاهیم و دیدگاه‌ها، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، صفحات ۹۴-۱۱۳.
- ۱۶- نقدی، اسداله. ۱۳۸۲. درآمدی بر جامعه‌شناسی شهر، انسان و شهر، تهران، فن‌آوران.
17. Barnett, C. 2003. Culture and democracy: media. Space and Representation, Edinburgh University Press
18. Haila, A. 2008. Global Universities and Urban Development the University of Helsinki as a Developer, Lincoln institute of land policy Cambridge, Massachusetts.
19. Harvey, D. 1996. Justice, Nature & the geography of Difference, Blackwell
20. Mumford, L. 1938. The culture of the city (harmonds worth: penguin)
21. Marcuse, P. and Cuz, P. 2005. The University as Urban Developer: Columbia University's Heights, Lincoln institute of land policy Cambridge, Massachusetts
22. Olsen D.G. 1986. The city as work of art (London: Edward Arno)
23. Rapoport, A. 1977. Human Aspectsof Urban Form. Pergamon press
24. Strom, E. 2005 The University as Urban Developer: The Political Strategies Behind University-Based Development, Lincoln institute of land policy Cambridge, Massachusetts
25. Sennett, R. 1970. The fall of publicman (Cambridge university of Cambridge press)
26. Webber, H. 2005. The University as Urban Developer: The University of Chicago and Its Neighbors, Lincoln institute of land policy Cambridge, Massachusetts
27. Wiewel, W. and Perry, D.C. 2008. Global Universities and Urban Development: Lincoln institute of land policy Cambridge, Massachusetts
28. Wiewel, W. and Perry, D.C. 2008. Global Universities, The University, the City, and the State: Lincoln institute of land policy Cambridge, Massachusetts